

بررسی مناسبات فرهنگی

جمهوری اسلامی ایران بامانی

زمینه‌های گسترش همکاری و موانع آن

حسن شجاعالدینی

چکیده: در این مختصر بر آنیم تا در حد توان به بررسی مناسبات فرهنگی دو کشور جمهوری اسلامی ایران و مالزی بپردازیم. دو کشور از زمینه‌های مشترکی برای گسترش روابط فرهنگی برخوردار هستند که از آن میان می‌توان به دین اسلام، زبان فارسی، فرهنگ غنی و قابلیت‌های بالای آن، برخی مشابهت‌های فرهنگی و وجود جاذبه‌های تاریخی و توریستی فراوان بین دو کشور اشاره کرد. متأسفانه علی‌رغم وجود زمینه‌های مشترک و گرایش‌های فوق و انجام برخی تلاش‌ها در این زمینه، روابط فرهنگی دو کشور از جایگاه مطلوبی برخوردار نیست. در واقع مجموعه‌ای از عوامل به طور مستقیم و غیر مستقیم باعث شده تا روابط فرهنگی دو کشور در حد مطلوبی نباشد. در میان عوامل مستقیمی که به طور بالقوه و بالفعل مانع از گسترش روابط فرهنگی بین دو کشور است می‌توان به تفاوت مذهبی دو کشور، مشکلات تدریس زبان فارسی در مالزی و همچنین فرهنگ بومی و ملی متفاوت اشاره کرد. عواملی نیز به طور غیر مستقیم مانع گسترش روابط فرهنگی دو کشور شده‌اند که در دو حوزه سیاسی و اقتصادی قابل بررسی هستند. در حوزه سیاسی می‌توان به نوع عملکرد دو کشور طی دو دهه گذشته در سیاست داخلی و خارجی اشاره کرد و در حوزه اقتصادی نیز می‌توان به عواملی همچون نبود اتحاد استراتژیک اقتصادی بین دو کشور، عدم اطلاع رسانی صحیح و شناخت کافی از توانایی‌های یکدیگر، بروکراسی دست و پاگیر و مشکلات قانونگذاری، کمبود امکانات و تکنولوژی و بعد مسافت اشاره کرد.

مقدمه

فرهنگ جوامع را می‌توان شاه‌بیت شناخت جوامع به شمار آورد. جوامع براساس فرهنگ حاکم بر آنها شکل گرفته و در مسیر خود حرکت می‌کنند. فرهنگ یک جامعه را می‌توان مبنایی‌ترین ریشه وجودی یک جامعه دانست. یک جامعه براساس فرهنگ حاکم بر آن که برگرفته از دین و مذهب و آداب و رسوم موجود در آن جامعه است، شکل گرفته است. از این رو فرهنگ را می‌توان ریشه وجودی یک جامعه دانست زیرا فرهنگ یک جامعه می‌تواند در سیاست و اقتصاد یک جامعه راه یافته و آن را سمت و سو بدهد. از طریق فرهنگ می‌توان به اصلاح و یا تخریب نظام سیاسی و اقتصادی و اجتماعی حاکم بر یک جامعه همت گماشت. امروزه کشورهایی همچون کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا با بهره گرفتن از فرهنگ خود توانسته‌اند طرحی نو در عرضه‌های سیاست و به ویژه اقتصاد درآندازند. در بین این کشورها، مالزی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. فرهنگ مالزی ریشه در دین اسلام دارد و دین اسلام تاثیر زیادی در فرهنگ بومی و ملی این کشور داشته است.

با توجه به همسایگی حضور دین در عرصه دو جامعه جمهوری اسلامی ایران و مالزی و بالتبع همسانی در سطح بالاتری آن فرهنگ حاکم بر دو کشور می‌توان در جهت همکاری‌های مشترک فرهنگی و گسترش مناسبات فرهنگی بین دو کشور همت گماشت. گسترش مناسبات فرهنگی دو کشور و بهره گرفتن از تجربیات یکدیگر می‌تواند زمینه را برای گسترش مناسبات در حوزه‌های دیگر فراهم کند. در دنیای امروز ما ناگزیریم با جهان رابطه داشته باشیم و چه بهتر که با جوامعی بیشتر رابطه برقرار کنیم که با ما از هر نظر سنجیت بیشتر داشته باشند. با توجه به اینکه مالزی یک الگوی موفق به ویژه در حوزه اقتصادی بوده و اقتصاد این کشور نیز ریشه در فرهنگ این کشور دارد، آشنایی و همکاری فرهنگی با این کشور مسلمان می‌تواند در بسیاری از حوزه‌ها برای ایران راهگشا باشد. همچنین گسترش روابط در حوزه فرهنگ و دیگر حوزه‌ها بین دو کشور و ارتقای آن در سطح جوامع اسلامی می‌تواند ما را در تحقق یافتن امت واحد اسلامی یاری نماید.

مالزی در یک نگاه

کشور مالزی در منطقه جنوب شرق آسیا قرار دارد. این کشور توسط دریای جنوبی چین به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شده و پایتخت این کشور کوآلا لامپور است. مالزی از ۱۳ ایالت و ۲ منطقه فدرال تشکیل شده است. سیستم حکومتی مالزی پادشاهی پارلمانی بوده که پادشاه

برای یک دوره ۵ ساله از بین سایر پادشاهان ایالتها به صورت دوره‌ای انتخاب می‌شود.

پارلمان این کشور از دو مجلسی نمایندگان با ۱۹۳ عضو و پنج سال دوره نمایندگی و مجلس سنا با ۶۹ عضو و شش سال دوره نمایندگی انتخاب می‌شوند. نخست وزیر یا رئیس اجرایی نیز از بین اکثریت پیروز در مجلس نمایندگان برگزیده می‌شود. مالزی در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۵۷ استقلال خود را از کشور بریتانیا به دست آورد. وسعت این کشور در حدود ۳۲۹۷۵۸ کیلومتر مربع متشکل از دو بخش شبه جزیره مالزی (مالزی غربی) و ایالات صباح و ساراواک (مالزی شرقی) است. مالزی از نظر آب و هوایی دارای آب و هوای مرطوب و استوایی، بدون فصول متمایز با متوسط دمای ۲۰-۲۶ درجه سانتیگراد و بارندگی ۲۵۰-۴۰۰ سانتیمتر در سال است. نرخ باسوادی در کشور مالزی بیش از ۸۵ درصد است. رشد جمعیت چیزی در حدود ۲/۳ درصد بوده و ترکیب جمعیتی این کشور نیز عمدتاً از نژاد

ابن بطوطه در سفرنامه خود اسامی تعدادی از ایرانیان را در جزیره سوماترا ذکر می‌کند. مزارهای موجود در مناطق مختلف اندونزی نیز گواهِ شاهدی دیگر از نقش و تاثیر ایرانیان در این منطقه است.

ملایو (۵۸٪)، نژاد چینی (۲۳٪)، نژاد هندی (۷٪) و سایر اقوام و جمعیت غیر مالزیایی (۱۰٪) تشکیل شده است. زبان رسمی، زبان ملایو بوده، اگر چه زبانهای انگلیسی، چینی و هندی نیز رواج دارد. دین رسمی این کشور اسلام - شافعی مذهب - (حدود ۵۸٪ از کل جمعیت) می‌باشد و پیروان بودیسم، کنفوسیوس و مسیحیت و سایر ادیان نیز طبق قانون اساسی برای انجام شعائر مذهبی خود از آزادی کامل برخوردارند.

تاریخچه روابط

در خصوص تاریخچه روابط میان دو کشور ایران و مالزی باید به دوران امپراطوری هخامنشی یعنی زمان سلطنت داریوش اول که فاتح بخش عمده‌ای از هندوستان غربی بود باز گردیم. دو محقق مالزیایی به نامهای عمر امین حسین و پروفیسور عرفی، اسامی اقوامی از ایرانیان را ذکر

می‌کنند که در جزایر مختلف اندونزی ساکن شده‌اند. ابن بطوطه در سفرنامه خود اسامی تعدادی از ایرانیان را در جزیره سوماترا ذکر می‌کند. مزارهای موجود در مناطق مختلف اندونزی نیز گواه و شاهدی دیگر از نقش و تاثیر ایرانیان در این منطقه است.^۲

از قرون اولیه هجری قمری و با حضور اسلام در منطقه خاورمیانه، اسلام به تدریج از طریق هندوستان وارد خودمالایو - پولهنز شد و همان طور که می‌دانیم هندوستان نیز ابتدا از طریق ایران و به دست ایرانیان و ترکان اسلام را پذیرفت. از قرن پنجم هجری صوفیان و دعوات مسلمان همراه با تجار هندی که منشأ کجرات و کروماندل داشتند، وارد جاوه، سوماترا و شبه جزیره مالزی شدند. به تدریج اسلام در این منطقه رو به گسترش نهاد. در سده‌های بعد از قرن نهم هجری که مقارن با روی کار آمدن حکومت گورکانیان مغول در هند بود، فارسی زبان رسمی و دیوانی هند شد.

حوزه مالزی و اندونزی ضمن پذیرش اسلام از تاثیرات فرهنگ فارسی برکنار نماند. حکایات فارسی امیرحمزه،

باتا تاسیس سفارت جمهوری اسلامی ایران در کوالالامپور در سال ۱۳۶۱ روابط دو کشور از تحرک بیشتری برخوردار شد. این تحرک در سالهای اخیر در جهت گسترش روابط در تمامی حوزه‌ها از رشد خوبی برخوردار بوده و ظرفیت آن را دارد تا به چندین برابر ظرفیت کنونی خویش برسد.

اسکندر ذوالقرنین، طوطی‌نامه، حکایت بختیار از همین دوره به زبان فارسی برگردانیده شد و رواج یافت. در قرن شانزدهم میلادی صوفیان مالایایی چون حمزه منصور، نورالدین رانیری و شمس‌الدین سوماترایی در کتابهایشان که به زبان مالی نوشتند، به اشعار فارسی بخصوص مثنوی مولانا و گلشن راز شیخ محمود شبستری استناد کرده‌اند. از شرح احوال این بزرگان برمی‌آید که مسافرت‌هایی به تایلند داشته و زبان فارسی را نزد مهاجران پارسی در شهری به نام «شهر نو» آموخته‌اند.^۳

از قرن یازدهم هجری قمری به بعد یک سلسله مهاجرت‌های مستقیم از یمن به ویژه از سرزمین حضرموت به جزایر مالی - اندونزی صورت گرفت که این مهاجران ضمن بومی شدن در محل، یک سلسله الفاظ عربی و قرآنی با تبلیغ مذهب شافعی به منطقه آوردند و این

امور موجب افزایش رواج کلمات عربی در زبان مالی شد.^۴ (امروزه در اثر تبلیغ مذهب شافعی، مسلمانان این کشور عمدتاً شافعی مذهب هستند. ویژگی این مذهب در حب اهل بیت علیهم السلام است).^۵

ضرورت تجارت حمل و نقل کالا از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر و داد و ستد، با دیگران به منظور فروش کالاهای تولیدی و خرید کالاهای مورد نیاز، در حضور مسلمانان عرب و ایرانیان به منطقه مالی تاثیرگذار بوده است. بازرگانان که عمدتاً به منظور تجارت و بازرگانی به این منطقه می‌رفتند، همواره در این منطقه حضور داشته و گاه نیز در آنجا ماندگار شده و با بومیان آنجا در می‌آمیختند. برخی شواهد تاریخی مثل الواح و سنگ نوشته‌ها نیز دلالت بر این امر دارد و شاید قدیمی‌ترین آن سنگ قبری متعلق به زنی مسلمان باشد که در قرن پنجم هجری (قرن یازدهم میلادی) وفات نموده است. به تدریج با اسلام آوردن بومیان منطقه، خود این افراد باعث تبلیغ و گسترش اسلام شدند. مسلمانان و به ویژه ایرانیان در منطقه از اعتبار بالایی برخوردار بودند و گاهی اوقات اتفاق می‌افتاد که به مدارج و مناصب حکومتی نیز دست می‌یافتند.

سفرنامه‌های سیاحانی چون مارکوپولو (قرن سیزدهم میلادی) و ابن بطوطه (در قرن چهاردهم میلادی) موبد این مطلب است. با مسلمان شدن حاکمان این منطقه در قرون ۱۴ و ۱۵، اسلام در این منطقه افزایش یافت و موجی از بومیان این منطقه مسلمان شدند.^۶

روابط ایران با مالزی تا قبل از ورود استعمار به این منطقه کماکان به طور غیر رسمی به تدریج در حال پیشرفت بود. با ورود استعمار به این منطقه در راستای سیاست‌های دول استعمارگر نقش و نفوذ مسلمانان و ایرانیان کمتر شد. پس از استقلال مالزی در ۳۱ اوت ۱۹۵۷ با توجه به زمینه‌های مشترک بین دو کشور، دو کشور درصدد ایجاد ارتباط مجدد با یکدیگر برآمدند. پیگیری‌های مرتب بین دو کشور سرانجام به خود جامه عمل پوشاند و در سال ۱۳۴۵ شمسی موجب شد سفیر ایران در بانکوک به عنوان سفیر اکرودیته در کوالالامپور منصوب شود. در مقابل مالزی نیز در سال ۱۳۴۶ سفارتخانه خود را در ایران تاسیس کرد و در سال ۱۳۴۹ اولین سفیر خود را به ایران فرستاد. در سال ۱۳۵۰ شمسی یک عهدنامه مودت میان دو کشور به امضا رسید و اسناد آن در تهران مبادله شد. با تاسیس سفارت جمهوری اسلامی ایران در کوالالامپور در سال ۱۳۶۱ روابط دو کشور از تحرک بیشتری برخوردار شد. این تحرک در سالهای اخیر در جهت گسترش روابط در تمامی حوزه‌ها از رشد خوبی برخوردار بوده و ظرفیت آن را

دارد تا به چندین برابر ظرفیت کنونی خویش برسد.^۶

- برگزاری جشنواره غذا و صنایع دستی در مالزی.^۸

همکاری‌های فرهنگی دو کشور

پس از وقوع انقلاب اسلامی و به ویژه در سالهای اخیر دو کشور همکاری‌های خود را در حوزه فرهنگ گسترش داده‌اند. با توجه به زمینه‌های مشترک فرهنگی بین دو کشور این فعالیتها در سالهای اخیر از رشد خوبی برخوردار بوده و قابلیت گسترش نیز دارد. از جمله همکاریهای دو کشور در حوزه فرهنگی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تأسیس کرسی زبان فارسی در برخی از دانشگاه‌های مالزی همچون دانشگاه مالایا.
- برگزاری همایش‌ها و سمینارهای متعدد در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و فرهنگی مالزی.
- گسترش همکاریهای علمی - آموزشی در سفر وزرای آموزش عالی.
- مبادله استاد و دانشجو (به ویژه از طرف ایران)
- حضور قاریان ایرانی در مالزی و بالعکس به مناسبت

وجود دین اسلام را در دو کشور می‌توان از جمله مهم‌ترین زمینه‌های مشترک دو کشور دانست که سبب شده دو کشور در برخی عرصه‌های سیاسی حساس و مهم به خاطر اسلامی بودن نظام حکومتی خود مواضع مشترکی را اتخاذ کنند.

زمینه‌های مشترک در گسترش روابط فرهنگی

از جمله زمینه‌های فرهنگی بین دو کشور می‌توان به اراده حاکم بر دو کشور برای گسترش روابط، دین اسلام، زبان فارسی، برخی مشابهت‌های فرهنگی، فرهنگ غنی و جاذبه‌های تاریخی و گردشگری فراوان اشاره کرد.

الف- اراده حاکم بر دو کشور

دو کشور جمهوری اسلامی ایران و مالزی از اراده خوبی در جهت گسترش روابط با یکدیگر برخوردارند. در واقع اراده قوی مهم‌ترین نکته در جهت شروع، حفظ و گسترش روابط قلمداد می‌شود. دو کشور در سالهای اخیر سفرهای متعددی را در حد سران به کشورهای یکدیگر داشته و توافق نامه‌های متعددی در حوزه‌های متعدد به ویژه حوزه فرهنگی با یکدیگر امضا کرده‌اند.^۹

جهت‌گیری‌های یکسان دو کشور و اتخاذ مواضع مشترک در بسیاری از مسائل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی همگی گواه بر اشتراکات فراوان میان دو کشور است. مواضع یکسان دو کشور در آمریکا ستیزی و مخالفت با نظم جدید جهانی به رهبری آمریکا، جهانی شدن و شکاف طبقاتی جهانی، مخالفت با فرهنگ و تمدن غربی به ویژه شیوه زندگی آمریکایی (American Way of Life) همگی حاکی از یک اراده و رویکرد مناسب برای تقویت روابط است. اگر چه در برخی مواقع ممکن است روابط در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی بیشتر از فرهنگی باشد ولی این ارتباط می‌تواند تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم بر روابط فرهنگی بگذارد.

ب- دین اسلام

۵۸٪ از جمعیت ۲۳/۸ میلیون نفری کشور مالزی را مسلمانان تشکیل می‌دهند.^{۱۰} و همین اکثریت مطلق سبب شده تا دین رسمی در این کشور دین اسلام باشد. با ورود مسلمان ایرانی و عرب به این سرزمین، اسلام نیز وارد این کشور شد و به مرور زمان بسط و گسترش یافت. دین اسلام در طی قرون متمادی توانسته یکسری هنجارها، ارزشها، شیوه زندگی و بسیاری از ویژگی‌های دیگر را بین مردم ملت‌های مختلف به طور یکسان ایجاد کند. ضرورت وجود نظم و انضباط در کارها، احترام به والدین، صلح، رحم، انفاق، یتیم نوازی، احترام متقابل، تواضع و فروتنی، رعایت ادب، صبر و بردباری، عشق و محبت ورزیدن، قدردانی و سپاس، دعا و عبادت و ارزشهایی از این قبیل که از لایه‌های متون

مسابقات مختلف قرائت، حفظ و تفسیر قرآن کریم.

- برقراری هفته‌های فرهنگی و عرضه فیلم، CD، نوار و پوسترهای مختلف.

- عبور زائران مالزیایی خانه خدا از ایران و آشنایی با فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی.

- همکاریهای دو کشور در زمینه‌های گردشگری و توریسم، شناساندن جاذبه‌های توریستی و امضای یادداشت تفاهم‌های دو جانبه در جهت تسهیل رفت و آمد گردشگران.

- ترجمه و چاپ کتب فارسی همچون کتاب «جامعه مدنی» سید محمد خاتمی رئیس جمهور ایران.

- پخش فیلم‌های ایرانی در شبکه‌های ماهواره‌ای مالزی و تولید کارهای مشترک سینمایی و تلویزیونی.

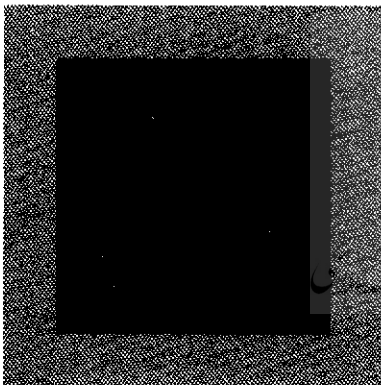
- برگزاری نمایشگاه نقاشی در مالزی.

اسلامی قابل برداشت است. یک شیوه تفکر و نگرش در امور دنیا و سبک زندگی به پیروان خود ارزانی داشته است. همین ارزشهاست که در این گونه جوامع رسوخ کرده و نهادینه می شود و به صورت جزئی از فرهنگ آنها در می آید.

در دو کشور ایران و مالزی به خاطر وجود و ظهور دین اسلام در طی سالیان گذشته ما در زمینه هایی شاهد این فرهنگ یکسان در علایق و خواسته های مردم هر دو کشور (تا حدود بالایی) هستیم. وجود دین اسلام را در دو کشور می توان از جمله مهم ترین زمینه های مشترک دو کشور دانست که سبب شده دو کشور در برخی عرصه های سیاسی حساس و مهم به خاطر اسلامی بودن نظام حکومتی خود مواضع مشترکی را اتخاذ کنند. از جمله مصادیق این امر می توان به طور مشخص به مواضع تقریباً یکسان دو کشور در عدم شناسایی اسرائیل و تشکیل دولت مستقل فلسطین اشاره کرد.

مسلمان دانست. اینکه کشورهای مسلمان همکاری با یک کشور غیرمسلمان را بر یک کشور مسلمان ترجیح داده و یک شیفتگی مفراطی نسبت به غرب پیدا کرده اند. در اکثر کشورهای مسلمان بین گروه ها و جناح ها و احزاب مختلف درگیری و نزاع وجود دارد و برای کسب قدرت حاضرند دست به کشتن انسانهای بی گناه نیز بزنند.

این موارد در مجموع سبب دوری جستن و دشمن قلمداد کردن مسلمانان از یکدیگر می شود. در حالی که باید مسلمانان همچون یک امت واحد عمل کرده و سعی کنند در معادلات جهانی تأثیرگذار باشند، روابط خود را در حوزه های مختلف گسترش بدهند، به تشکیل پول واحد، بانک و صندوق اسلامی، بازار مشترک اسلامی، اتحادیه مشترک، ارتش مشترک، پارلمان مشترک، دادگاه مشترک و... اقدام ورزند و در سطح کلان برنامه ها و سیاستهای خود را با یکدیگر هماهنگ کنند. این را می توان به مثابه تنها



با گسترش زبان فارسی
در بین مردم مالزی آنها
خود را هر چه بیشتر به
مردم دارای زبان فارسی
نزدیک تر دیده و همین امر
برقراری روابط دو کشور را
تسهیل می کند

راه قدرت یافتن و بازگشت شکوه و عزت دوران طلایی گذشته به شمار آورد.

برای دستیابی به این اهداف و در راستای جامه عمل پوشانیدن به آنها کشورها بایستی از روابط دو جانبه و چند جانبه شروع کرده و آن را بسط و گسترش بدهند. از نمونه های بارز در این خصوص روابط ایران و مالزی است. روابط اقتصادی و فرهنگی دو کشور به روابط سیاسی و موضع گیریهای مشترک دو کشور انجامیده است. در خصوص گسترش روابط چه بین دو کشور ایران و مالزی و چه تمامی کشورهای اسلامی امکانات و ظرفیتهای بسیار بالاست و وجود و حضور دین اسلام در بین این کشورها می تواند به عنوان یک عامل قدرتمند و قوی در ایجاد بستر مشترک برای این توسعه به شمار آید.

ج- زبان فارسی

شاید بتوان از زبان فارسی به عنوان یک عامل زمینه ساز

همچنین عضویت دو کشور در سازمانهای بین المللی همچون سازمان کنفرانس اسلامی و مواضع اینگونه سازمانها در قبال رخدادهای بین المللی همه ریشه در اسلامی بودن نظام حکومتی دو کشور دارد. هر دو کشور بارها در مناسبتها و جاهای مختلف به عزت و اقتدار مسلمانان و ضرورت تحقق آن در دنیای کنونی اشاره کرده اند. عزت و افتخاری که مسلمانان، قرنهای متمادی از آن برخوردار بوده ولی متأسفانه با گذشت زمان از اهمیت آنان در تأثیرگذاری بر روی وقایع و رخدادهای جهانی عاجز مانده اند.

زمانی امپراطوری اسلامی چنان وسیع و مقتدر بود که کسی فکر افول و شکست آن را نمی کرد. متأسفانه مسلمانان به ضعف و ناتوانی دچار شده اند که امروزه شاهد آن هستیم. بررسی علل ضعف و فروپاشی آن نظام قدرتمند از حوصله این تحقیق خارج است ولی شاید بتوان یکی از علل اصلی آن را در انزوایی و وجود تفرقه در بین کشورهای

در گسترش روابط دو کشور نام برد. زبان فارسی و حضور آن در کشور مالزی به سالیان دور باز می‌گردد. به طور مشخص و جدی زبان فارسی با سفر بازرگانان ایرانی برای امر تجارت به شبه جزیره مالزی وارد شد. عده‌ای از بازرگانان در آنجا سکنی گزیدند و حتی توانستند با جلب اعتماد بومیان منطقه به مدارج بالای حکومتی نیز دست پیدا کنند. حضور ایرانیان در جامعه مالزی سبب

آموزش زبان فارسی نارسایی‌هایی دارد. با توجه به اینکه زبان هر کشوری کلید ورود به فرهنگ و سنت آن کشور است لذا اگر موانع موجود بر سر گسترش زبان فارسی در جامعه مالزی مرتفع شود، زبان فارسی می‌تواند زمینه مناسبی را برای گسترش فرهنگ ایرانی و یکسانی در فرهنگ و سنت هر دو کشور ایجاد کند. با گسترش زبان فارسی در بین مردم مالزی آنها خود را هر چه بیشتر به مردم دارای زبان فارسی نزدیک‌تر دیده و همین امر برقراری روابط دو کشور را تسهیل می‌کند.

مردم مالزی با آشنایی با زبان فارسی، امکانات دستیابی به منابع و امکانات مالی ما را در حوزه‌های فرهنگی و اقتصادی بهتر می‌یابند. عبور و مرور جهانگردان افزایش می‌یابد. همین جهانگردان در انتقال فرهنگ نقش مهم و مستقیمی را می‌توانند ایفا کنند. بازرگانان و تاجران به راحتی با هم‌تایان خود تماس گرفته و مبادرت به مبادله کالا و خدمات می‌کنند. از گنجینه‌های ادبی که در زبان فارسی وجود دارد بیشتر بهره می‌گیرند.

هر چقدر نفوذ فرهنگ ایرانی بیشتر باشد، سعی در بهره‌گیری از اجزا و لوازم آن فرهنگ نیز در بین مردمان آن کشور (در اینجا مالزی) افزایش می‌یابد. لذا در درجه اول زبان فارسی به مثابه یک پتانسیل بالا در جامعه مالزی می‌تواند در شناساندن فرهنگ غنی ایرانی - شیعی نقش داشته باشد و در درجه دوم زمینه را برای یکسانی فرهنگ دو کشور آماده کرده و این پتانسیل بالا را در راستای گسترش روابط در زمینه‌ها و حوزه‌های دیگر قرار خواهد داد.

د-مشابهت‌های فرهنگی:

با توجه به نفوذ اسلام و تشیع و همچنین حضور ایرانیان در سالها قبل و به ویژه بعد از اسلام در این منطقه، یکسری مشابهت‌های فرهنگی در آداب و رسوم مردم در جامعه مالزی دیده می‌شود. حضور دین اسلام به عنوان دین مشترک بین مسلمانان و همچنین مذهب تشیع و برخی مراسم و مناسک ویژه این مذهب به همراه آداب و رسوم ملی ایرانیان سبب شده امروزه جامعه مالزی تا حدودی از

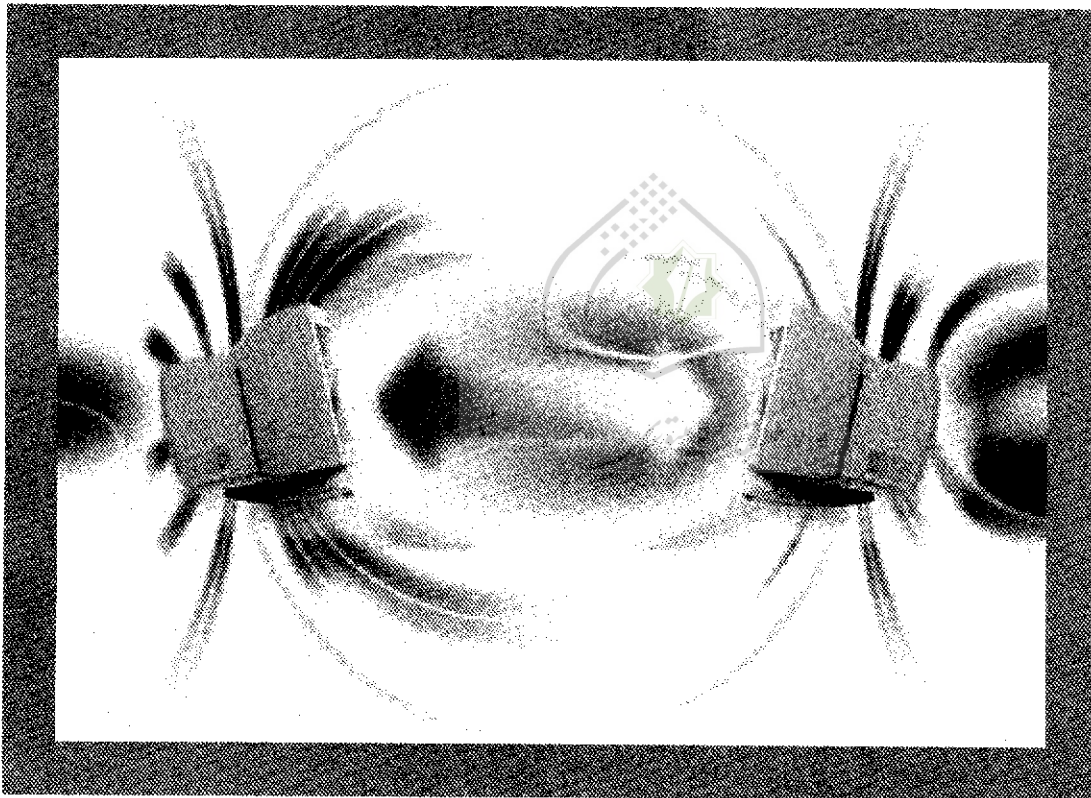


ورود واژگان و اصطلاحات فارسی در آن گردید. در فهرست واژه‌های فارسی در زبان (مالی) تنوعی از لحاظ دسته‌بندی واژه‌های وجود دارد و واژه‌هایی مربوط به دریانوردی، اسلحه، غذا، جشن، لباس، ابزارهای موسیقی، امور حکومتی، القاب و امور تجاری را می‌توان مشاهده نمود.^{۱۱}

انقلاب اسلامی ایران که تحولی عظیم در دنیا و در بین مسلمانان ایجاد کرد. گسترش فرهنگ و زبان فارسی را در این کشور شدت بخشید. امروزه متأسفانه زبان فارسی در جامعه مالزی فقط محدود به دانشگاه‌هاست و بیشتر در بین دانشجویان رواج دارد، اگر چه در این بخش نیز

این فرهنگها برخوردار باشد. به طور مثال در این خصوص می‌توان به مراسم دهه اول محرم، مراسم مربوط به تولد نوزاد، مراسم مربوط به اموات مانند هفتم، چهلم و سالگرد، اشاره کرد که همه متأثر از فرهنگ و سنتهای ایرانی است که یا مستقیماً توسط خود ایرانی‌ها و یا از طریق شیعیان جنوب هند وارد این کشور شده است. همچنین علاقمندی پادشاهان و مردم مالایی سبب گردید که آثار زیادی از متفکران فارسی به مالایی ترجمه شود.^{۱۲} لذا همانطور که گفته شد وجود اینگونه مشابهت‌ها که یاریش دینی دارند و یا ملی و قومی، می‌تواند به عنوان یک عامل در جهت تقویت و گسترش روابط فرهنگی دو کشور عمل کند.

و همچنین وجود اندیشمندان شهیر ملی و مذهبی در دو کشور گواه غنای فرهنگی دو کشور است. دین اسلام در این کشورها، علی‌رغم فشارهای متعدد داخلی و خارجی و نفوذ اندیشه‌های کمونیستی و لیبرالیستی و سایر اندیشه‌ها و همچنین حضور مستقیم و غیرمستقیم استعمارگران در این دو کشور،^{۱۳} هنوز دین رسمی است و بیشترین درصد جمعیت را در دو کشور مسلمانان تشکیل می‌دهند.^{۱۴} این همه پایداری و استقامت می‌سر نمی‌شد مگر ریشه داشتن این جوامع در یک فرهنگ ریشه‌دار و غنی که خود را بی‌نیاز از سایر فرهنگ‌های وارداتی می‌دانست.



ه- فرهنگ غنی دو کشور

دو کشور جمهوری اسلامی ایران و مالزی از یک فرهنگ کهن و غنی برخوردار هستند. به ویژه آنکه فرهنگ بومی و ملی هر دو کشور با ورود اسلام به این مناطق در آنها نفوذ کرده و فرهنگی مذهبی - ملی را ایجاد کرده است. آثار به جا مانده از گذشتگان و اقوام قدیمی حاکی از وجود یک فرهنگ غنی در بین مردمان این دیار بوده است. ظهور اسلام در دو کشور بر غنای فرهنگی آنها افزود. ظهور آثار و ابنیه‌های عظیم تاریخی

و- جاذبه‌های تاریخی و توریستی فراوان

دو کشور از یک موقعیت ویژه جغرافیایی برخوردارند. وجود تنوع زیستی و همچنین مکانهای تاریخی و تفریحی سبب شده که دو کشور از قابلیت‌های بالایی در این خصوص برخوردار باشند. دو کشور دارای توانایی زیادی در این خصوص بوده و قادرند در تبادل توریسم همکاری بالایی را با یکدیگر داشته باشند.^{۱۵} امروزه توریسم و گردشگری علاوه بر اینکه در نزدیک کردن و شناساندن فرهنگ ملت‌ها به یکدیگر نقش مهمی بر عهده گرفته، درآمد بسیار بالایی را نیز نصیب کشورهای می‌کند.

موانع گسترش روابط فرهنگی

علی‌رغم وجود زمینه‌های مشترک فرهنگی میان دو کشور برای ارتقای روابط، وجود برخی از موانع و مشکلات سبب شده تا امکان بهره‌برداری کامل از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود بین دو کشور فراهم نشود. موانع موجود را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود، دسته اول عواملی که به طور مستقیم بر روابط فرهنگی و گسترش آنها تأثیر می‌گذارند که عمدتاً فرهنگی‌اند. دسته دوم عواملی هستند که فرهنگی نیستند و به طور غیر مستقیم بر روابط فرهنگی دو کشور تأثیر می‌گذارند.

عوامل مستقیم:

۱- **تفاوت مذهبی:** همانطور که اشاره شد ۵۸٪ مردم مالزی مسلمانند که شافعی مذهب‌اند، در حالی که در جمهوری اسلامی ایران بالغ بر ۹۹٪ جمعیت را مسلمانان تشکیل می‌دهند که ۸۹٪ آنها شیعه هستند. تفاوت مذهبی بین دو کشور ایران و مالزی با توجه به نفوذ

زمینه بسیار مناسبی را برای گسترش روابط دو کشور ایران و مالزی فراهم کند. متأسفانه عواملی وجود دارد که مانع از گسترش این زبان در کشور مالزی می‌شود.

عواملی که در صورت مرتفع شدن می‌تواند باعث بسط این زبان در بین دانشگاهیان و مردم مالزی شده، آشنایی بیشتر آنها به زبان فارسی به آشنایی آنها با فرهنگ ایرانی و شیعی و در نهایت نیز به گسترش روابط دو کشور خواهد انجامید. آقای دکتر احمد کاظمی موسوی استاد حقوق اسلامی و زبان فارسی که خود در دانشگاه‌های خارج از کشور من جمله مالزی تدریس زبان فارسی را بر عهده داشته به برخی از موانع و مشکلات در عدم گسترش زبان فارسی در مالزی اینگونه اشاره می‌کند:

«زبان فارسی در مالزی کم شنیده می‌شود. یعنی ما برنامه شبکه سخن پراکنی که به منظور صحبت و تفاهم با فارسی آموختگان طرح شده باشد، نداریم. نشریه فارسی زبانی که در مالزی منتشر شود نداریم. بدین ترتیب در

علی‌رغم وجود دین اسلام
و برخی سنت‌های شیعی
ایرانی، فرهنگ بومی
و سنتی کشور مالزی با
فرهنگ بومی و سنتی
کشور ایران متفاوت است

آموزش گرامر فارسی
به خارجیان بسیار
سودمند است ولی اصل
زبانی که آنها در پی‌اش
هستند در متون و ادب
فارسی قرار دارد

مالزی استاد با کتابها و کاستهایش تنهاست. در هر دو وسیله مذکور یعنی کتابها و کاستها، کمبود و مشکلاتی هست که در اینجا به ذکر آنها می‌پردازیم.

الف- اغلب کتابهای درسی موجود اساس کار زبان را به زبان محاوره، آنهم محاوره تهران قرار داده‌اند.

ب- مشکل دوم کتابهایی است که دستور زبان فارسی را مبنای کار خود قرار داده‌اند. روشن است که آموزش گرامر فارسی به خارجیان بسیار سودمند است ولی اصل زبانی که آنها در پی‌اش هستند در متون و ادب فارسی قرار دارد.

ج- مشکل دیگر در تدریس برخی کتابها به ویژه کتابهای چاپ داخل کشور این است که خود را به مشکلاتی که بیگانگان در برخورد با زبان فارسی دارند، آشنا نمی‌کنند. اینگونه کتابها پس از مقدمه‌های کوتاهی به انگلیسی بلافاصله به توضیحات و نمونه‌های بیانی فارسی روی می‌آورند، بدون اینکه زمینه سازی کافی کرده باشند و

روحانیان مذهبی در هر دو جامعه می‌تواند به عنوان یک مانع بالقوه در گسترش روابط مطرح باشد. اگر چه تاکنون در ظاهر این تفاوت مذهبی مشکل خاصی ایجاد نکرده و دو کشور بر محور دین اسلام به همکاری پرداخته‌اند، اما این تفاوت مذهبی همچنان به طور بالقوه توان آن را دارد تا روابط دو کشور را در حوزه‌های گوناگون تحت الشعاع قرار دهد. به طور مثال کافی است از طرف علمای شیعه ایران مطلبی علیه سنی‌ها بیان شده و یا از طریق سنی‌ها علیه شیعیان مطلبی گفته شود، این امر بازتابی می‌تواند ایجاد کند که باعث صدمه زدن به روابط دو کشور در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌شود.

۲- **عدم گسترش زبان فارسی:** با توجه به اینکه زبان می‌تواند نقش کلیدی را در ایجاد بستر مناسب در روابط بین دو کشور ایفا کند لذا با توجه به حضور زبان فارسی در جامعه مالزی (اگر چه در حد پایین)، این زبان می‌تواند

تفاوت شیوه‌های بیان را به انگلیسی توضیح داده باشند.
 د- مشکل دیگر در تدریس زبان فارسی، نارسایی خط فارسی است. علت نارسایی خط فارسی در کمبود نشانه‌های لازم برای حروف مصوت زبان فارسی است که دشواری بسیاری در آموزش فراهم می‌کند. به طور مثال تفاوتی بین کی (به معنای چه وقت) و کی (به معنای چه کسی) وجود ندارد و فرهنگستان و دستگاه‌های آموزشی ما هنوز یای منقوط را برای نمایاندن این تفاوت نپذیرفته‌اند.^{۱۶} مختصر آنکه با بر طرف کردن اینگونه موانع در یادگیری و بسط و گسترش زبان فارسی در مالزی می‌توان مالزیایی‌ها را با فرهنگ ایرانی و شیعی آشناتر کرده و از آن در جهت ارتقای روابط در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بهره گرفت.

۳- تفاوت در فرهنگ بومی و ملی: علی‌رغم برخی نکات و ویژگی‌های مشترکی که بین دو کشور بنا به ضرورت‌های تاریخی به وجود آمده، لیکن فرهنگ ملی دو کشور در دو

فرهنگ بومی و ملی دو کشور می‌تواند تا حدودی مانعی در جهت گسترش روابط فرهنگی میان آنها باشد.

عوامل غیر مستقیم

جدای از برخی عوامل بالقوه و بالفعل که به طور مستقیم می‌تواند مانع گسترش روابط فرهنگی بین دو کشور باشد، برخی از عوامل دیگر نیز وجود دارد که نه به طور مستقیم بلکه به طور غیر مستقیم به صورت مانعی در جهت گسترش روابط فرهنگی نقش ایفا می‌کنند. از جمله این عوامل می‌توان به عوامل سیاسی و اقتصادی اشاره کرد:

۱- عوامل سیاسی: عوامل سیاسی بیشتر به وضعیت عملکرد سیاسی کشور در داخل و صحنه بین‌المللی باز می‌گردد. اینکه یک کشور چقدر بتواند در عرصه سیاست داخلی و خارجی به نحو مطلوبی از عهده اداره امور و حل و فصل بحرانها بیرون بیاید در جایگاه آن کشور در عرصه

از عوامل غیر مستقیمی که مانع گسترش روابط فرهنگی دو کشور شده‌اند می‌توان به عوامل سیاسی و عوامل اقتصادی من جمله «عدم وجود اتحاد استراتژیک اقتصادی بین دو کشور»، «عدم اطلاع رسانی صحیح و شناخت کافی از توانایی‌های یکدیگر»، «بروکراسی دست‌وپاگیر و مشکلات قانون گذاری»، «کمبود امکانات و تکنولوژی» و «عدم مسافت» اشاره کرد.



ملی و جهانی بسیار موثر است. جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی همواره از وجود برخی مشکلات داخلی و خارجی رنج برده و می‌برد. وجود این مشکلات می‌تواند بر اعتبار بین‌المللی کشور خدشه وارد کند و اعتماد و توجه دیگر کشورها را به لحاظ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تحت تأثیر قرار دهد.

اینکه کشوری از ثبات داخلی و بین‌المللی خوبی برخوردار باشد می‌تواند در گسترش فرهنگ داخلی و خارجی که در تعامل با دیگر کشورها ایجاد می‌شود، تأثیر فعال و مثبت داشته باشد. وجود مجموعه عوامل زیر بر تضعیف ایران در عرصه منطقه‌ای و جهانی تأثیرگذار بوده است. در واقع ضعف عملکرد داخلی و فشارهای خارجی دست به دست هم داده و سبب گردیده تا پرستیژ بین‌المللی ایران خدشه‌دار شده و در نتیجه روابط ایران به ویژه در حوزه فرهنگی از رشدی برخوردار نباشد.

محیط متفاوت به رشد و شکوفایی خود ادامه داده است. در حقیقت موقعیتهای زمانی و مکانی که عامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری فرهنگ است در دو کشور ایران و مالزی متفاوت بوده است. این تفاوتها خود را در بسیاری از امور از شیوه پوشیدن لباس گرفته تا غذا خوردن، مجالس جشن و عزاداری و مهم‌تر از همه نحوه تعامل با محیط بیرون که بر اساس دغدغه‌ها و برداشتهای متفاوت خود از محیط شکل گرفته، تأثیرگذارده است. لذا همانطور که گفته شد علی‌رغم وجود دین اسلام و برخی سنتهای شیعی - ایرانی، فرهنگ بومی و سنتی کشور مالزی با فرهنگ بومی و سنتی کشور ایران متفاوت است، در صورتی که هر چقدر دو فرهنگ از مشابهت‌های بیشتری برخوردار باشند، نحوه تعامل آنها نیز بسیار ساده‌تر خواهد بود و اگر این تفاوتها بالا باشد به همان نسبت نحوه تعامل آنها نیز پیچیده‌تر و سخت‌تر خواهد بود. از این رو می‌توان گفت که تفاوت

از جمله مهم‌ترین عوامل خارجی می‌توان به جنگ هشت ساله بین ایران و عراق، تحریم اقتصادی آمریکا بر ضد ایران، برخورد نامطلوب کشورهای صنعتی با ایران، مهاجرت وسیع آوارگان عراقی و افغانی به کشور و کاهش قیمت نفت در اواسط دهه ۱۳۶۰ اشاره کرد.^{۱۷} عوامل داخلی به ترتیب عبارتند از: شعارهای تحقق نیافته در خصوص رفاه اجتماعی، ملی کردن بانک‌ها، پولی کردن کسری بودجه دولت، تغییرات ناگهانی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، تبعیض دوگانه در اجرای قوانین و مقررات، کساد مالی گسترده و کاهش حضور و سهم مبادلات بین‌المللی ایران در عرصه جهانی.^{۱۸}

۲- عوامل اقتصادی: عدم رسیدن روابط اقتصادی دو کشور به حد مطلوب به طور غیر مستقیم باعث کاهش روابط بین دو کشور در حوزه‌های دیگر من جمله در حوزه روابط فرهنگی شده است. مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی و نارسایی‌هایی که در این حوزه بین دو کشور وجود دارد سبب شده تا روابط دو کشور در حوزه‌های دیگر نیز تحت‌الشعاع قرار گرفته و در حد مطلوبی نباشد. برطرف کردن موانع اقتصادی به خودی خود می‌تواند در درجه اول روابط اقتصادی دو کشور را ارتقا داده و در مرحله بعد سبب شود تا روابط دو کشور در حوزه‌های دیگر نیز متناسب با روابط اقتصادی گسترش پیدا کند. از جمله مهم‌ترین موانع اقتصادی بین دو کشور می‌توان به عدم وجود اتحاد استراتژیک اقتصادی و حجم بالای مبادلات تجاری،^{۱۹} عدم اطلاع‌رسانی صحیح و شناخت کافی از توانایی‌های یکدیگر،^{۲۰} بروکراسی دست‌وپاگیر و مشکلات قانون‌گذاری، وجود رقابتی تجاری ایران در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس، کمبود امکانات و تکنولوژی و بُعد مسافت اشاره کرد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

گسترش روابط کشورها از جمله دو کشور جمهوری اسلامی ایران و مالزی در حوزه‌های مختلف به‌ویژه حوزه فرهنگی بستگی به برخی عوامل دارد که به طور مستقیم و یا غیر مستقیم در ارتقا یا کاهش این روابط دخیل هستند. در خصوص روابط جمهوری اسلامی ایران با مالزی باید گفت که زمینه‌های مشترک خوبی برای دو کشور به منظور گسترش روابط فرهنگی وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به «حضور دین اسلام در دو کشور»، «زمینه رشد زبان فارسی در مالزی»، «فرهنگ غنی دو کشور»، «مشابهت‌های فرهنگی» و «برخورداری دو کشور از جاذبه‌های تاریخی و توریستی فراوان» اشاره کرد.

متاسفانه علی‌رغم وجود این زمینه‌های مشترک به نظر می‌رسد که برخی از عوامل به صورت مستقیم و غیرمستقیم مانع گسترش روابط فرهنگی بین دو کشور شده است. از جمله عوامل مستقیمی که به طور بالقوه و بالفعل مانع گسترش روابط دو کشور می‌باشند می‌توان به «تفاوت مذهبی»، «موانع گسترش زبان فارسی در مالزی» «فرهنگ بومی و ملی متفاوت» اشاره کرد.

از عوامل غیرمستقیمی که مانع گسترش روابط فرهنگی دو کشور شده‌اند می‌توان به عوامل سیاسی و عوامل اقتصادی من جمله «عدم وجود اتحاد استراتژیک اقتصادی بین دو کشور»، «عدم اطلاع‌رسانی صحیح و شناخت کافی از توانایی‌های یکدیگر»، «بروکراسی دست‌وپاگیر و مشکلات قانون‌گذاری»، «کمبود امکانات و تکنولوژی» و «بُعد مسافت» اشاره کرد. بدیهی است برطرف کردن موانع موجود می‌تواند روابط فرهنگی دو کشور را چندین برابر ظرفیت کنونی ارتقا بخشد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- آمارهای ارائه شده در این قسمت از آرشینو وزارت امور خارجه، بخش آسیای شرقی و اقیانوسیه تهیه شده است.
- ۲- محمد رسول الماسیه، کبری گوهری؛ «همگرایی فرهنگی بستر تشکیل اتحادیه فرهنگی آسیا»، فرهنگ و تمدن آسیا، سال سوم، شماره ۱۵، فروردین ۱۳۸۲، ص ۴.
- ۳- احمد کاظمی موسوی، «زبان فارسی در مالزی و مشکلات تدریس آن»، سروش، ش ۷۴، ص ۵۴.
- ۴- همان، ص ۵۴.
- ۵- آرشینو وزارت امور خارجه، بخش آسیای شرقی و اقیانوسیه.
- ۶- محمود، مسائلی، «مالزی»، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۲، صص ۲۹۰-۲۸۹.
- ۷- همان، ص ۲۸۱.
- ۸- بسیاری از موارد فوق در مصاحبه اختصاصی با آقای آزاد، معاون آسیای شرقی و اقیانوسیه وزارت امور خارجه مطرح گردیده است.
- ۹- در این خصوص به طور مشخص می‌توان به سفر آقای خاتمی به کشور مالزی در تابستان ۱۳۸۱ اشاره کرد که این سفر منجر به انعقاد ۸ توافقنامه در حوزه‌های فرهنگی و اقتصادی گردید. سفر و دیدار وزرای دو کشور در سطوح مربوط به فرهنگ، اقتصاد و سیاست و برگزاری کمیسیون‌های مشترک بین دو کشور از جمله دیگر موارد هستند.
- ۱۰- آرشینو وزارت امور خارجه.
- ۱۱- احمد کاظمی موسوی، «زبان فارسی در مالزی و مشکلات تدریس آن»، ص ۵۴.
- ۱۲- محمد رسول، الماسیه و کبری گوهری، «همگرایی فرهنگی بستر تشکیل اتحادیه فرهنگی آسیا»، ص ۴.
- ۱۳- در مورد ایران می‌توان به نفوذ اندیشه‌های مارکسیسم و لیبرالیسم و تهاجم مستقیم و غیر مستقیم

- کشورهایی چون بریتانیا، پرتغال و آمریکا اشاره کرد. در مورد مالزی نیز این کشور همواره در معرض اندیشه‌های مارکسیسم قرار داشته ولی در سالیان اخیر اندیشه‌های لیبرالیسم قوی‌تر بوده است. این کشور سالیان سال در اشغال بریتانیا بوده و پس از تلاش‌های بسیار در سال ۱۹۵۷ موفق به استقلال خود شد. ۱۴- طبق آمار آرشینو وزارت امور خارجه درصد مسلمانان ۵۸٪ از جمعیت کل مالزی است درصد مسلمانان نیز در ایران ۹۹٪ است. طبق آمار موجود در "Economist, "Gods rule or Mans", January 18th 2003, p8
- ۱۵- از جمله توافقنامه‌های مشترک بین دو کشور در این خصوص می‌توان به امضای توافقنامه مشترک بین وزیر توریسم مالزی و رئیس سازمان ایرانگردی و جهانگردی ایران در مرداد ۱۳۸۲ اشاره کرد.
 - ۱۶- احمد، کاظمی موسوی، ص ۵۵.
 - ۱۷- برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رکنده حمیدزنگنه «هزری اقتصاد ایران از جنبه داخلی و بین‌المللی»، ترجمه جعفر خیرخواهان و زهره رشمس نهرانی، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۱۷۳-۱۷۲، ص ۱۷۸.
 - ۱۸- همان، صص ۱۷۸-۱۵۸.
 - ۱۹- حجم مبادلات دو کشور در سال ۲۰۰۱ بالغ بر ۳۲۰ میلیون دلار بوده است. (آرشینو وزارت امور خارجه).
 - ۲۰- به طور مثال در اولین نشست مشترکی که بین دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه ایران و موسسه مطالعات بین‌الملل و استراتژیک مالزی در کوالالمپور برگزار شد، دکتر نورالدین صوفی رئیس موسسه مالزی اعتراف کرده که اطلاعات مقامات مالزی نسبت به ایران بیشتر از طریق جرایدی مانند نیویورک تایمز و CNN است. (اقتشاری، پرویز. «میزگرد مشترک ایران و مالزی»، ماهنامه ۱۴۸، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ص ۳۲).